



چرا تصمیم به صدور این بیانیه گرفتید؟ ضرورت آن را چه می‌دانید؟

سعید نور محمدی:

این نامه یادآوری این وظیفه بود که کنشگران سیاسی و اجتماعی نسبت به جامعه و نسبت به آینده مسئولیت دارند و به بهانه همدلی و همراهی با مردمی که حق دارند معترض باشند، نمی‌توانند فراموش کنند

گذشته به‌خصوص حوادث پس از فوت مهسا امینی به وجود آمد، بیشتر سلبی و القاگرا بود. فضای حاکم را در دو سطح می‌توان بررسی کرد. در سطح مردم و در سطح نخبگان و الیت سیاسی و اجتماعی. طبیعتاً مردم حق دارند به شرایطی که برایشان به وجود آمده، معترض باشند و از نیروهای سیاسی زده شده باشند. شرایطی که برای مردم به وجود آمده، شایسته این مردم شریف و بزرگ نبود اما نخبگان سیاسی نمی‌توانند و حق ندارند سلبی رفتار کنند. وظیفه سیاستمداران و کنشگران اجتماعی مسئولیت‌پذیر این است که راه و منفذی را فراهم کنند تا از شرایط موجود خارج شویم. این راه را به مردم پیشنهاد دهند و تلاش کنند آنها را همراه کنند. متأسفانه در حال حاضر بین مردم عادی و بخش زیادی از سیاسیون تفاوتی وجود ندارد و بسیاری از کنشگران افتخار خود می‌دانند که در نامیدیهی همراه باشند. این نامه یادآوری این وظیفه بود که کنشگران سیاسی و اجتماعی نسبت به جامعه و نسبت به آینده مسئولیت دارند و به بهانه همدلی و همراهی با مردمی که حق دارند معترض باشند اما نمی‌توانند مسئولیت خود را فراموش کنند. نویسندگان این نامه به دنبال ایجاد راه و منفذی برای خروج از این شرایط هستند.



مهدی شیرزاد: کشور در شرایط بسیار پرمخاطره‌ای قرار دارد. هم موقعیت بین‌المللی کشور در شرایط پرمخاطره و حساس است، هم به نظر می‌آید انواع و



سه شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲
سال دوم - شماره ۴۴۵
www.hamhianonline.ir

www.hamhianonline.ir

و فضا و فرصت برای حضور سلیقه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی فراهم نیست اما با این احوال، به نظر می‌آید می‌توان مجلسی با تندروری کمتری برگزید که حداقل خسارت‌های کمتری را برای کشور در بر داشته باشد.

احمد مازنی: دوستانی که علاقه‌مند به کنشگری فعال و مثبت در این دوره بودند، تصمیم به صدور این بیانیه گرفتند و بنده هم وقتی که مطلع شدم، به دلیل اینکه با اصل مشارکت و کنش فعال در انتخابات موافق بودم، این بیانیه را امضا کردم. آنچه که در فضای سیاسی کشور حاکم شده، این است که یک جریان فقط می‌تواند در انتخابات حضور پیدا کرده و کاندیداهای فراوانی هم دارد و بدون رقیب با مشارکت حداقلی می‌تواند برنده بازی باشد، در صورتی که اگر افرادی خارج از این جریان امکان مشارکت داشته باشند، ولو در سطح محدود و با کاندیداهای اندک بتوانند مشارکت کنند، این فضای تک‌صدایی می‌تواند کنترل شود و در کنار صدای تحریم و عدم مشارکت و صدایی که بیشتر از ناحیه حاکمیت یکدست به گوش می‌رسد که مشارکت با همین گزینه‌هایی که تعریف می‌کنیم، انجام شود؛ صدای دیگری وجود داشته باشد که این صدا مبنی بر اعتراض و اصلاح وضع موجود باشد. از این جهت ضرورت داشت که این نظریه تبیین شود و به اطلاع مردم برسد و در ادامه هم مصدق این نظریه هم به مردم معرفی شود تا آنها که علاقه‌مند به حضور پای صندوق‌های رای هستند به فهرست رای دهند.



اقسام شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی وضعیت مطلوبی را برای کشور نشان نمی‌دهد و شرایط نگران‌کننده است. در مجموع به نظر می‌آید مضرات حاکمیت یکدست خیلی بیشتر از شرایطی است که تنوعی از دیدگاه‌ها و نگاه‌ها در مجموعه اداره کشور سهیم بوده‌اند. این بیانیه با این رویکرد تنظیم شده که بتوانیم یک مسیر جدیدی را به جامعه پیشنهاد دهیم که متأثر از تجارب سال‌های گذشته و با علم و در نظر گرفتن تمام مشکلات، سختی‌ها و محدودیت‌هاست تا مردم دعوت به صبوری و اصلاحات تدریجی شوند. مجموعه اپوزیسیون خارج از کشور، (فارغ از اینکه چه نظری می‌توان درباره دیدگاه‌های آنها داد) به نظر می‌آید که عملکرد بسیار ناصوابی از خود نشان دادند. مجموعه نیروهایی هم که در داخل کشور فکر می‌کردند با سیاسی کردن مطالبات یک حرکت اجتماعی مانند حرکت اعتراضی شهریور ۱۴۰۱ می‌توانند تغییرات بسیار ساختاری در حاکمیت ایجاد کنند، به نظر می‌آید نتیجه نگرفته‌اند. عده‌ای فکر می‌کردند تا زمان‌های مشخصی «دیگر تمام است ماجرا» اما همه دیدیم که خوب یا بد ماجرا تمام نیست. مجموعاً به نظر می‌آید خیابان خیلی ثمره و نتیجه‌ای در مختصات فعلی جامعه ایران برای هیچ نیروی تحول‌خواهی نداشته است. در نتیجه به نظر می‌آید خشونت‌پرهیزترین و مسالمت‌آمیزترین و کم‌هزینه‌ترین روش برای تغییر در ساختار قدرت و برای اثرگذاری در آینده، جامعه، همچنان صندوق رای است. البته این صندوق رای در معرض تهدیدهای مختلفی از ناحیه نگاه‌های تنگ‌نظرانه در چارچوب نظارت استصوابی بوده است



آیا به نظرتان این بیانیه و تصمیم پشت آن تاثیری بر انتخابات دارد؟

امکانات تبلیغاتی وسیع بر خوردار نیستیم، قطعاً صداوسیما از جریان ما حمایت نخواهد کرد و چه‌بسا ما را هم تخریب کند. برخی از دستگاه‌ها و نهادها هم که در حاکمیت یکدست منافی دارند، قطعاً همراهی نخواهند کرد و مخالف ما هستند. آنهایی هم که در یکی دو سال اخیر بر ناامیدی دمیدند و مثنی اغفال را در پیش گرفتند، ممکن است با ما همراه نشوند. به هر حال ما هستیم و این فرصت محدود و امکانات اندکی که در اختیار داریم، از رسانه‌ها انتظار داریم که مبنای، مفاهیم و جزئیات این بیانیه به‌خصوص بخشی که تأکید می‌شود «عدم مشارکت مشکلی را حل نمی‌کند و گر‌ها را کورتر خواهد کرد.» را برای مردم تبیین کنند. در فضایی که یا صدای مشارکت بی‌قید و شرط از ناحیه بنیان وضع موجود و یا صدای تحریم به گوش می‌رسد، صدای سومیه هم به گوش برسد که در حد ظرفیت و امکاناتی که وجود دارد، می‌توان پای صندوق رای رفت و مشارکت کرد.

مهدی شیرزاد:

به هر حال دوستان یک جبهه اصلاحات یک چارچوب و استراتژی را اتخاذ کردند که اقلیتی هم در این جبهه، این چارچوب و استراتژی را قبول نداشتند. واقعیت این است که متأسفانه روندی که تا الان طی شده، یک روند اجماعی که همه در آن احساس برنده بودن داشته باشند، نبوده است

فعلی برای او قانع‌کننده و پاسخگو نباشد. اما خیلی از آدم‌ها هستند که در زندگی روزمره‌شان اینکه چه کسی رئیس جمهور و یا نماینده مجلس شود، تأثیرگذار است. من فکر می‌کنم می‌شود این تیپ افراد را دعوت به بازاندیشی کرد. البته من ادعایم این نیست که این افراد حتماً دعوت را اجابت کرده و در عرصه انتخابات شرکت کنند، اما تصور می‌کنم که می‌شود این بزرگواران را دعوت به بازاندیشی در رابطه با نحوه اثرگذاری در قدرت کرد و اینکه ما در عرصه عمومی بتوانیم گفت‌وگویی داشته باشیم که به چه نحو می‌شود یک اصلاحات تدریجی و خشونت‌پرهیز را در جامعه ایران طی کرد که حاصل آن رفاه و آرامش بیشتر برای زندگی مردم باشد. **احمد مازنی:** هر کنشی می‌تواند تأثیرگذار باشد منتهی میزان تأثیر آن به عوامل مختلفی برمی‌گردد که برخی از این عوامل در اختیار ما نیست، ما از



سعید نور محمدی: این نامه با این هدف منتشر شد که بر انتخابات تأثیر بگذارد و تلاش کند فضای سرد و مملو از ناامیدی را بشکند. هدف نویسندگان همین بوده است. اینکه در نهایت موفق بشویم یا نشویم بستگی به این دارد که نخبگان سیاسی و اجتماعی وارد میدان شوند یا نه. اگر وارد شدند چقدر از سوی مردم این ایده و راهکار پذیرفته می‌شود؟ خارج از نتیجه ما باید تلاش کنیم که راهی ایجاد کنیم.



مهدی شیرزاد: ما باید با مردم صحبت کنیم. من از دانشجو و جوانی که تحت شدیدترین فشارها و بیشترین محدودیت‌ها در زیست اجتماعی بوده است، خیلی توقع ویژه‌ای ندارم که با این رویکرد و استراتژی سیاسی همراه شود. به هر حال آن جوان آرزوها، رویاها و مطالباتی دارد که ممکن است شرایط



در ادامه این بیانیه گام‌های بعدی و اقدامات برای معرفی کاندیدا چیست؟ صرفاً ارائه تحلیل است یا جرقه شکل‌دهی و فعال‌سازی نیروی جدید انتخابات محور؟

فکر منافع ملی و توسعه منطقه‌ای باشد و صرفاً دنبال موضوعات سیاسی و جناحی نرود. در کلان‌شهرها که معمولاً رای مردم سیاسی‌تر بوده، به نظر می‌آید خیلی اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرا امکان حضور در انتخابات و رقابت را ندارند، اما با این احوال، دوستان ما در سه چهار حزب اصلاح‌طلب و حزب اعتدال و توسعه تلاش‌هایی را انجام می‌دهند که ما بتوانیم با ریزنی با بقیه نیروهای معتدل، در تهران به یک لیست انتخاباتی برسیم و آن لیست را به مردم معرفی کنیم و در نهایت تابع تصمیم مردم باشیم.

احمد مازنی: در این مرحله روی مفاهیم کار شده است و برای مصدق باید جلوتر برویم. در فرصت باقی‌مانده به نظر می‌رسد که باید به سمت معرفی نیروهای منتقد وضع موجود و نیروهایی که شعارشان «نه به حاکمیت یکدست» است، پیش‌روییم و در این مسیر امکان تهیه لیست هم می‌تواند فراهم شود.



سعید نور محمدی: برخی از احزاب و نیروهای سیاسی و اجتماعی در حال بررسی کاندیداهای موجود در سراسر کشور هستند. با وجود ردصلاحیت‌های گسترده‌ای که پیش آمده است، باز هم کاندیداهای بسیار خوبی در سراسر کشور داریم که مردم فرصت دارند شرایط را عوض کنند. حضور مردم همه معادلات را می‌تواند تغییر دهد. در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه چهره‌های علمی و دانشگاهی از سد شورای نگهبان عبور کرده‌اند. احزاب میانه‌رو مسئولیت دارند این چهره‌ها را ساماندهی کنند و با کمک نیروهای اجتماعی و سیاسی به مردم معرفی و پیشنهاد دهند. علاوه بر این با مردم به گفت‌وگو بنشینند و توضیح دهند چرا در این شرایط رها کردن صندوق رای و قهر کردن، راه مناسبی نیست.



نسبت این بیانیه با مواضع جبهه اصلاحات چیست؟ آیا این بیانیه را در مقابل و مقابله با بیانیه جبهه اصلاحات منتشر کردید؟

احمد مازنی: به‌هیچ‌وجه قصد مقابله با راهبرد جبهه اصلاحات را نداریم. جبهه اصلاحات در راهبردی که مطرح کرده روی اصل انتخابات تأکید داشته و گفته است، دیدگاه‌ها و مواضع مقام‌هبری درباره برگزاری انتخابات پرشور مورد توجه قرار نگرفته است و به‌نوعی در نقد نهادهایی این راهبرد صادر شده بوده که به رهنمودهای رهبری عمل نکردند و به قانون اساسی توجه نداشتند و بسیاری از نیروهای اصلاح‌طلب و تحول‌خواه را ردصلاحیت کردند یا با وضع قانونی که مجلس یازدهم انجام داده، فرصت از نیروهای تحول‌خواه سلب شده است. اما جبهه اصلاحات به‌هیچ‌وجه در راهبردش مسائلی را مطرح کرده که بیانیه ما در جهت مخالف آن باشد. بیانیه ما هم نظری را در کنار راهبرد جبهه اصلاحات است و می‌تواند مکمل آن راهبرد باشد.



قبول نداشتند. ماهیت کار جبهه‌ای هم ایجاد می‌کند که ما احزاب اقلیت را در موقعیتی قرار ندهیم که در معرض این باشند که از جبهه سیاسی خروج کنند و یا به شکلی متفاوت از تصمیم اتخاذشده عمل کنند. واقعیت این است که متأسفانه روندی که تا الان طی شده، یک روند اجماعی که همه در آن احساس برنده بودن داشته باشند، نبوده است. ما تأکیدمان این بود که در کنار برخی از صداهایی که بیشتر تقابل در آنها پررنگ است، یک نگاه دیگری هم که برآمده از بخشی از اصلاح‌طلبان است را به جامعه معرفی کنیم که این نگاه معتقد به اصلاحات تدریجی است و فکر می‌کند که در شرایط فعلی هیچ ابزاری بهتر از صندوق رای برای ایجاد تغییر در ساختار مناسبات قدرت وجود ندارد.

احمد مازنی:
در فضایی که با صدای مشارکت بی‌قید و شرط از ناحیه بنیان وضع موجود و یا صدای تحریم به گوش می‌رسد، صدای سومی هم به گوش برسد که پای صندوق رای برود و مشارکت کند

سعید نور محمدی: این نامه در برابر جبهه اصلاحات و یا هیچ جریان دیگری منتشر نشده است. جبهه اصلاحات و احزاب عضو آن حق دارند تصمیم بگیرند که به دنبال منفذ خروج از این شرایط باشند یا نباشند. نویسندگان نامه دنبال ائتلافی از نخبگان مسئولیت‌پذیر و میانه‌رو هستند که مسئولانه وارد میدان شوند.
مهدی شیرزاد: اصلاحات یک گفت‌وگو اجتماعی است و یک تبار تاریخی دارد و نمی‌توان آن را به یک جمع محدود منحصر کرد. به هر حال دوستان در جبهه اصلاحات یک چارچوب و استراتژی را اتخاذ کردند که اقلیتی هم در این جبهه، این چارچوب و استراتژی را



بیانیه مجمع عمومی حزب اتحاد ملت

نهمین مجمع عمومی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی با حضور نمایندگان شعب حزب در استان‌ها و ارکان مرکزی در دو جلسه برگزار شد. در پایان این مجمع به‌عنوان جمع‌بندی تحلیل‌های یک‌سال گذشته و مواضع و رویکردهای آینده حزب که پیش از این نیز در مقاطع و مناسبت‌های مختلف اعلام شده است، در قالب قطعنامه‌ای در بخش‌های سیاسی، جامعه، اقتصاد و توسعه و محیط زیست در میان گذاشته شد.

در بخش‌هایی از این بخشنامه آمده است: «توجه و تمرکز اصلی ما به‌عنوان بخشی از اصلاح‌طلبان جامعه‌محور در پیگیری اصلاحات یادشده، اتکا به نیروی پایان‌ناپذیر مردم و به‌کارگیری ابزار مختلف اعم از توانمندسازی جامعه، گفت‌وگو با اقل و طبقات مختلف و حاکمیت، کنش‌های ائتلافی و تفاهم‌آمیز با جریان‌های همسو، مقاومت مدنی و هرگونه کنش خشونت‌پرهیز است. اگر چه از نظر ما پیگیری مطالبات اصلاحی متوقف به پذیرش و همراهی حاکمیت نیست، ولی با توجه به این‌که در افق بلندمدت، همگان و از جمله حاکمان از فواید چنین اصلاحاتی برخوردار می‌شوند و مقاومت در مقابل آن ممکن است هزینه‌ها و لطمات سنگینی بر کشور، ملت و حکومت تحمیل کند، انتظار عقلایی از حاکمیت جایگزینی عقل به جای وهم در حکمرانی، ترجیح منافع کشور و مردم بر منافع نامشروع باندهای رانت‌جو و شفافیت‌گریز و تن دادن به اصلاحات ریشه‌ای اثربخش است. این همراهی هزینه‌ای اصلاح را کاهش و سرعت آن را افزایش می‌دهد. رفع ستم از شهروندان بی‌گناه تحت حبس، حصر و فشار، فراهم کردن فضای مناسب برای طرح شفاف و بدون لکنت مطالبات مردمی و پایین آوردن هزینه‌های انتقادات و اعتراضات برداشتن گام‌های اولیه در مسیر اصلاحات ساختاری اولین نشانه‌ها در مسیر خوداصلاحی حکومت است.»

در پایان این قطعنامه آمده است: «حزب اتحادملت معتقد است در این شرایط بحرانی، دلسوزانه‌ترین و کارآمدترین بسته پیشنهادی که صلاح ملک و ملت و حاکمان را دربردارد، عمل به بیانیه‌ی یازدهم ماده‌ای جناب آقای سیدمحمد خاتمی در بهمن سال گذشته است. اما از آن جا که امید چندانی به پذیرش این پیشنهادهای خوداصلاحی حاکمیت نمی‌رود، چاره در رجوع به جامعه و تقویت آن، هم‌افزایی نیروهای آزادی‌خواه و خشونت‌پرهیز و استفاده از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی و مدنی و برداشتن گام‌های تدریجی واقع‌بینانه برای پیشبرد اهداف اصلاحی است که شاکله آن در بیانیه مذکور توسط آقای خاتمی آمده است. ما بر این باوریم که با تداوم سیاست‌های فعلی و متأسفانه لجاجت در پیشبرد آن‌ها توسط اقلیت حاکم، بحران‌ها تشدید خواهد شد. ما براساس آموزه‌های دینی و مسئولیت‌حزبی خود، ائدار و نصیحت حاکمان را حق و مسئولیت ذاتی خود می‌دانیم و آن را حتی اگر به‌دلیل خودشیفتگی و ناشنوائی زمامداران کم‌فایده باشد، فرو نخواهیم گذاشت. ما براساس راهبردهای مصوب مجمع عمومی اخیر خود، در راستای سیاست جامعه‌محور، گفت‌وگو و همسکازی بیش از پیش با نهادها و مدنی و فعالان سیاسی و اجتماعی را در چارچوب ارزش‌های اصلاحی و خشونت‌پرهیز تقویت خواهیم کرد و معتقدیم با استفاده از ظرفیت‌های فراوان جامعه‌ی مدنی، نهایتاً می‌توان مسیر اداره‌ی کشور را براساس توسعه، پاسداشت کرامت و حقوق ملت و در یک کلمه حکمرانی خوب اصلاح کرد. ما برآنیم در شرایطی که اقلیت حاکم هر نوع رویکرد تفاهمی و ائتلافی و حداقلی بهبودخواهانه را به انحای مختلف پس می‌زند، با بهره‌گیری بیش از پیش از گفت‌وگو محصور و مطالبه‌گر و حقوق بشری، آن‌ها را برای پاسخ‌گویی نسبت به پیامدهای سیاست‌های خود تحت فشار قرار دهیم و همواره در کنار ملت و مدافع حقوق آن‌ها باقی بمانیم. ما مسئولیت و افتخار خود را ایفای نقش به‌عنوان بخشی از سازمان سیاسی جامعه‌ی مدنی ایران می‌دانیم و در این مسیر با ایمان به قدرت لایزال الهی و با اعتقاد راسخ به شعار «ایران برای همه‌ی ایرانیان» در حد وسع و توان خود برای منافع ملی و تأمین حقوق ملت، به کنشگری فعالانه خود ادامه خواهیم داد.»